Relationship between IQ, cultural intelligence and self-monitoring in the students of Birjand University of Medical Sciences

Aliakbar Esmaeili[1], Ebrahim Akbarzadeh[2], Yahya Mohammadi[3,4], Mohammadali Nemati[5], Mohammadreza Raeisoon [6,7]

Background and Aim: Intelligence quotient (IQ), cultural intelligence, and self-monitoring are among important and influential parameters in learning-teaching process of students. Thus, the current study examined the relationship between these parameters in the students of Birjand University of Medical Science.

Materials and Methods: The present study was a descriptive-analytic, cross-sectional type. The study population included all the students at Birjand University of Medical Sciences, selected through stratified randomized sampling method. In order to study IQ, cultural intelligence, and self-monitoring parameters R & B Cattell scale (Scale III), Erli's Cultural Intelligence Inventory, and Snyder's Self-monitoring Test were applied, respectively. The obtained data was fed into SPSS (V:21) software using Pearson correlation test, ANOVA, and t-test at the significant level of $P \leq 0.05$.

Results: From a total of 171 subjects participating in the study, 53.2% were female. The average age of the participants was 21.3±2.7 years. The average IQ, cultural intelligence, and self-monitoring scores were 106±10.44, 85.73±17.31, and 12.35±3.20, respectively. There was a significant correlation between cultural intelligence and self-monitoring ($P<0.000$; $r=0.37$). However, there were no significant associations between cultural intelligence and IQ scores as well as between self-monitoring and IQ scores.

Conclusion: Regarding the unfavorable cultural intelligence' skills and abilities ;and their acquirable nature, it is suggested that University consider a significant position for educational and cultural programs in order to enhance cultural intelligence.

Key Words: IQ, Cultural intelligence, Self-monitoring, Students

Journal of Birjand University of Medical Sciences. 2016; 23 (3): 268-276.

Received: March 03, 2016 ***Accepted: September 17, 2016***

[1] *Social Determinants of Health Research Center, Birjand University of Medical Sciences, Birjand, Iran.*
[2] *Department of Emergency Medicine, Faculty of Medicine, Yazd University of Medical Sciences, Yazd, Iran.*
[3] *EDC, Birjand University of Medical Sciences, Birjand, Iran.*
[4] *Department of Curriculum Development, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran.*
[5] *Department of Educational Sciences, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabatabei University, Tehran, Iran.*
[6] ***Corresponding Author:*** *Social Determinants of Health Research Center, Department of Social Medicine, Faculty of Medicine, Birjand University of Medical Sciences, Birjand, Iran.*
Email: raeisoon49@gmail.com Tel:+9832395660 Fax:+9832395660
[7] *PhD Student of Higher Education Management, Allameh Tabatabei University, Tehran, Iran.*

مقاله اصیل پژوهشی

رابطه میان بهره هوشی با هوش فرهنگی و خودنظارتی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

علی‌اکبر اسماعیلی[1]، ابراهیم اکبرزاده[2]، یحیی محمدی[3،4]، محمد علی نعمتی[5]، محمدرضا رئیسون[6،7]

چکیده

زمینه و هدف: بهره هوشی، هوش فرهنگی و خودنظارتی از مؤلّفه‌های مهم و تأثیرگذار بر فرآیند یاددهی و یادگیری دانشجویان می‌باشد؛ بر این اساس، این مطالعه به بررسی رابطه میان بهره هوشی با هوش فرهنگی و خودنظارتی در دانشجویان پرداخت.

روش تحقیق: در یک مطالعه مقطعی از نوع توصیفی همبستگی، تعداد ۱۷۱ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند به روش نمونه‌گیری تصادفی- طبقه‌ای مورد بررسی قرار گرفتند. برای ارزیابی بهره هوشی، هوش فرهنگی و خودنظارتی به‌ترتیب از آزمون‌های استاندارد آر بی کتل مقیاس سوم، هوش فرهنگی Earley & Ang و خودنظارتی Snyder استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های همبستگی پیرسون و آزمون تی‌مستقل در سطح معنی‌داری $P\leq ۰/۰۵$ استفاده شد.

یافته‌ها: میانگین نمره‌های ضریب هوشی، هوش فرهنگی و خودنظارتی شرکت‌کنندگان در مطالعه به‌ترتیب برابر با: ۱۰/۴۴±۱۰۶ و ۱۷/۳۱±۸۵/۷۳ و ۳/۲۰±۱۲/۳۵ بود. نمره هوش فرهنگی در بین دو جنس، تفاوت قابل ملاحظه‌ای نشان نداد. رابطه مثبت و معنی‌داری بین میانگین نمره هوش فرهنگی و خودنظارتی مشاهده گردید (P<۰/۰۰۰، R=۰/۳۷)؛ ولی بین نمره هوش فرهنگی و ضریب هوشی و همچنین بین نمره خودنظارتی و ضریب هوشی ارتباط معنی‌داری مشاهده نگردید.

نتیجه‌گیری: با توجه به وضعیت نامطلوب نمره هوش فرهنگی و البته اکتسابی‌بودن بخش قابل توجهی از مهارت‌ها و قابلیت‌های آن، پیشنهاد می‌گردد برنامه‌های آموزشی و فرهنگی ویژه‌ای برای تقویت هوش فرهنگی در نظر گرفته شود.

واژه‌های کلیدی: بهره هوشی، هوش فرهنگی، خودنظارتی، دانشجویان

مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند. ۱۳۹۵؛ ۲۳ (۳): ۲۶۸-۲۷۶.

دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۱۳ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۲۷

[1] عضو مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثّر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران.

[2] گروه طب اورژانس، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی یزد، یزد، ایران.

[3] مرکز مطالعات و توسعه آموزش، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران.

[4] گروه برنامه‌ریزی درسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

[5] گروه علوم تربیتی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

[6] نویسنده مسؤول؛ عضو مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، گروه پزشکی- اجتماعی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران.

آدرس: بیرجند- خیابان غفاری- دانشگاه علوم پزشکی بیرجند- دانشکده پزشکی

تلفن: ۰۵۶۳۲۳۹۵۶۶۰ ایمیل: raeisoon49@gmail.com

[7] دانشجوی دکتری مدیریت آموزش عالی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

مقدمه

یکی از عواملی که با میزان یاددهی و یادگیری دانشجویان مرتبط است، بهره هوشی است. موضوع غالب در ایده‌های مربوط به بهره هوشی (IQ) این است که بهره هوشی، توانایی یا ظرفیت یادگیری حقایق و مفاهیم جدید را می‌سنجد (۱). محققین بر این باورند، افرادی که از بهره هوشی بالاتری برخوردارند، به علت دقّت و قدرت تمرکز بیشتر و نیز فعال‌بودن بیشتر حافظه کوتاه مدت آنها نسبت به افراد عادی، از لحاظ کمّی و کیفی قدرت یادگیری بیشتری دارند (۲).

در این راستا Gij & Berlayner (۱۹۹۲) سه عنصر هوش را شامل: توانایی یادگیری، حل‌کردن مسئله و توانایی پرداختن به امور انتزاعی دانسته‌اند. عنصر اول یعنی توانایی یادگیری، توسط Bloom (۱۹۶۸) و Carroll (۱۹۳۶) به‌عنوان اصطلاح استعداد مشخص گردید و به‌صورت مقدار زمانی که شخص یادگیرنده نیاز دارد تا مطلب یا مهارتی را کسب کند، تعریف گردید (۳). از رایج‌ترین تعاریفی که در مورد هوش در متون علمی آمده است می‌توان به توانایی یادگیری، دید و نگرش باز به مسائل، نتیجه‌گیری سریع، تفکّر انتزاعی، خلاقیّت، تمرکز حواس، توانایی درست قضاوت‌کردن و توانایی حل مسائل اشاره کرد که به‌صورت فراگیر از واژه هوش‌بهر استفاده می‌شود (۴).

یکی دیگر از عوامل مؤثّر بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان، هوش فرهنگی است. مفهوم هوش فرهنگی برای نخستین‌بار توسط Earley & Ang از محققان مدرسه کسب و کار لندن مطرح شد. این دو، هوش فرهنگی را به‌صورت قابلیّت یادگیری الگوهای جدید در تعاملات فرهنگی و ارائه پاسخ‌های رفتاری صحیح به این الگوها تعریف کردند. آنها معتقد بودند در مواجهه با موقعیت‌های فرهنگی جدید، به‌زحمت می‌توان علائم و نشانه‌های آشنایی یافت که بتوان از آنها در برقراری ارتباط سود جست. با توجه به محیط متلاطم و پر رقابت امروز، بسیاری از سازمان‌های قرن ۲۱، چندفرهنگی شده‌اند (۵). بر اساس تعریف Earley & Ang، هوش فرهنگی متفاوت از هوش اجتماعی و عاطفی است. افراد زیادی با داشتن (IQ) بالا و مهارت‌های اجتماعی مناسب، در تعاملات بین‌المللی شکست می‌خورند که علت اصلی آن پایین‌بودن هوش فرهنگی می‌باشد (۶). تعریف دیگری از هوش فرهنگی، توانایی افراد برای رشد شخصی از طریق تداوم یادگیری و شناخت بهتر میراث‌های فرهنگی، آداب و رسوم و ارزش‌های گوناگون و رفتار مؤثّر با افرادی که با پیشینه فرهنگی و ادراک متفاوت هستند، می‌باشد. در نهایت گروهی از اساتید آمریکایی، اروپایی و آسیایی؛ هوش فرهنگی را ارزیابی سیستمیک ظرفیت فرد برای رویارویی با افرادی از فرهنگ‌های متفاوت بیان کردند (۷).

محیط‌های کار درمانی امروز، نیاز به دانش‌آموختگانی دارد که با فرهنگ‌های مختلف آشنا باشند تا بتوانند با سایر فرهنگ‌ها ارتباط برقرار کنند. برای این منظور نیاز به هوش فرهنگی احساس می‌گردد. دانش‌آموختگان دارای هوش فرهنگی بالا قادر خواهند بود اثر قابل توجهی در ارتباط با بیماران داشته باشند و به‌خصوص در زمان بحران‌های شغلی، خود را بیشتر نشان دهند (۸). همچنین در مطالعه Wright و Drewery (۲۰۱۶) رابطه مثبت و معنی‌داری بین هوش فرهنگی با عملکرد شغلی و تحصیلی افراد مشاهده شده است. هوش فرهنگی یکی از متغیّرهای قوی در پیش‌بینی میزان تعامل است (۹)؛ از این رو هوش فرهنگی به‌طور فزاینده‌ای در دنیای رقابتی امروز اهمیت یافته است. افرادی با هوش فرهنگی پایین ممکن است قادر به ارتباط با همکاران خود از همان فرهنگ یا فرهنگ‌های دیگر نباشند و در نتیجه در کسب و کار دچار مشکل شوند.

یکی دیگر از متغیرهای تأثیرگذار بر موفقیّت دانشجویان، خودنظارتی است. خودنظارتی، یک ویژگی شخصیتی است که به توانایی نظارت بر رفتار خود در روابط اجتماعی اشاره دارد. این مفهوم شامل تطبیق رفتار و فرآیند تغییر رفتاری است که برای خود یا دیگران مفید نیست. دانشجویانی که خودنظارتی

بالایی دارند، آمادگی و حساسیّت بالایی برای مواجهه با رخدادهای محیطی دارند. آنها به سادگی احساسات خود را تجزیه و تحلیل کرده و سعی می‌کنند رفتار مناسب با اهداف و شرایط خود بروز دهند (۱۰)؛ این دانشجویان به سادگی راه‌های جدیدی برای مقابله با مشکلات می‌آموزند. دانشجویان دارای خودنظارتی بالا نه‌تنها قادر هستند پاسخ‌های حاصل از روابط اجتماعی خود را به‌عنوان بازخوردی از رفتار خود در اجتماع در نظر بگیرند (۱۱)، بلکه ظرفیت و توانایی بالایی برای ایجاد تغییر به‌منظور سازگاری بیشتر با محیط دارند. در مقابل افرادی که خودنظارتی پایین دارند، ظرفیت کمی برای سازگارکردن رفتار خود با محیط دارند (۱۲).

مطالعات مختلفی اثربخشی خودنظارتی در افزایش رفتار تکلیف‌مدار و عملکرد تحصیلی را نشان داده‌اند (۱۳). نتایج مطالعه Scheithauer و همکاران (۲۰۱۴) که با هدف بررسی آموزش خودنظارتی بر پیشرفت تحصیلی و کاهش علائم بیش‌فعالی انجام گرفت نشان داد، خودنظارتی علاوه بر بهبود پیشرفت تحصیلی، تأثیر قابل توجهی در کاهش علائم بیش‌فعالی دارد (۱۴). DiGangi و همکاران (۱۹۹۱) نیز در پژوهشی تأثیر آموزش راهبرد حوزه نظارتی را در دانش‌آموزان عادی مورد بررسی قرار دادند. نتایج مطالعه آنها نشان داد که آموزش خودنظارتی در بهبود عملکرد تحصیلی و افزایش انگیزش دانش‌آموزان مؤثّر است (۱۵).

هر چند بهره‌هوشی، هوش فرهنگی و خودنظارتی سه عامل مؤثّر بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان به‌نظر می‌رسد؛ ولی در بررسی به‌عمل آمده در مطالعات گذشته، در این زمینه تحقیقات کمی صورت گرفته است؛ بنابراین این مطالعه به بررسی رابطه بهره هوشی و هوش فرهنگی با خودنظارتی دانشجویان پرداخت.

روش تحقیق

مطالعه حاضر یک مطالعه مقطعی از نوع توصیفی همبستگی بود که در سال ۱۳۹۴ انجام گرفت. جامعه آماری شامل دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند بود که در رشته‌های مختلف تحصیلی در این دانشگاه مشغول به تحصیل بودند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران و براساس مطالعه ثمری و همکاران (۱۳۸۶)(۱۶) برابر با ۱۷۱ نفر محاسبه گردید. نمونه‌گیری به‌صورت تصادفی–طبقه ای انجام پذیرفت؛ به این صورت که هر دانشکده به‌عنوان یک طبقه در نظر گرفته شد و از هر دانشکده متناسب با حجم جامعه، از لیست دانشجویان آن دانشکده که شرایط ورود به مطالعه را داشتند، به‌صورت تصادفی حجم نمونه مورد نیاز انتخاب گردید.

برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزارهای زیر استفاده شد:

۱- بهره هوشی: ابزار مورد استفاده در این پژوهش فرم A مقیاس ۳ آر بی کتل (۱۹۶۳) بود. این مقیاس برای اندازه‌گیری هوش افراد بالاتر از دیپلم، دانشگاهیان و به‌طور کلی افراد هوشمند مورد استفاده قرار می‌گیرد. مقیاس ۳ شامل دو فرم A و B است. زمان تعیین‌شده برای پاسخ‌دهی به هر یک از فرم‌ها ۱۴ دقیقه است. هر فرم از چهار زیرمقیاس تشکیل شده که ترتیب و زمان اجرای آنها عبارت است از: زیرمقیاس نخست، سری‌ها با ۱۳ مادّه که زمان اجرای آن سه دقیقه است؛ زیرمقیاس دوم، طبقه‌بندی‌ها با ۱۴ مادّه که زمان اجرای آن چهار دقیقه است؛ زیرمقیاس سوم، ماتریس‌ها با ۱۳ مادّه که زمان اجرای آن سه دقیقه است و زیرمقیاس چهارم، شرایط با ۱۰ مادّه که زمان اجرای آن چهار دقیقه است. از این رو، هر فرم ۵۰ مادّه دارد که به‌صورت گروهی و مداد-کاغذی اجرا می‌شود. نحوه طبقه‌بندی بهره‌هوشی به این صورت است که نمره زیر ۸۵ «مرزی»، بین ۱۱۴–۸۵ «نرمال»، بین ۱۲۹–۱۱۵ «باهوش» و بین ۱۴۴–۱۳۰ «بسیار باهوش» می‌باشد (۱۷). روایی پرسشنامه آر بی کتل در مطالعه هومن و بهاری (۱۳۹۲) با استفاده از روایی همگرا ۰/۷۳ به‌دست آمد (۱۸). برای تعیین پایایی مقیاس از دو روش آلفای کرونباخ و بازآزمایی استفاده شد که مقدار پایایی از روش آلفای کرونباخ

۰/۷۸ و با استفاده از روش بازآزمایی ۰/۷۳ به‌دست آمد.

۲- هوش فرهنگی: برای سنجش هوش فرهنگی از آزمون استاندارد هوش فرهنگی ۲۰ سؤالی که توسط Ang و همکاران (۱۹) در سال ۲۰۰۷ طراحی شده و توسط متخصصان داخلی بومی‌سازی شده است، استفاده گردید. در این پرسشنامه هر سؤال به‌صورت ۷ گزینه‌ای از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف نمره‌گذاری می‌شود و نمره کل پرسشنامه بین ۲۰ تا ۱۴۰ متغیّر می‌باشد. نتایج آن توسط راهنمای پاسخ به سؤالات امتیازدهی شده و برای هر امتیاز سطحی از هوش فرهنگی توصیف می‌شود. نمره ۱۲۶ و بالاتر نشانگر هوش فرهنگی «عالی»، امتیاز بین ۱۲۵- ۹۵ هوش فرهنگی «متوسط» و امتیاز ۹۴ هوش فرهنگی «پایین» را نشان می‌دهد (۲۰). روایی و پایایی پرسشنامه هوش فرهنگی Ang توسط حسنی (۱۳۹۴) بر اساس روایی صوری و ضریب آلفای کرونباخ به‌ترتیب: ۰/۷۹ و ۰/۸۹ به‌دست آمد (۲۱). همچنین میزان پایایی این مقیاس در مطالعه کمالیان و همکاران (۱۳۹۳) ۰/۸۲ به‌دست آمد (۲۲).

۳- برای سنجش خودنظارتی از پرسشنامه استاندارد Selfmonitiring Mark Snyder (1974) ۲۵مادّه‌ای استفاده شد. پاسخ‌دهی به این آزمون به‌صورت گزینه‌های درست و نادرست به‌منزله تأیید و عدم تأیید مضمون هر یک از ماده‌ها در مورد فرد مورد مطالعه می‌باشد. Snyder فرض نموده است که مقیاس خودنظارتی، دربرگیرنده ۵مؤلّفه می‌باشد که ساختار نظری خودنظارتی را تشکیل می‌دهند. این آزمون فقط یک نمره دارد که به‌عنوان نمره فرد در پیوستار خودنظارتی در نظر گرفته می‌شود. نتایج آزمون توسط راهنمای پاسخ به سؤالات امتیازدهی شده و برای هر امتیاز سطحی از خودنظارتی تعیین می‌شود. تقسیم‌بندی سطوح به این صورت است که نمره بین ۱ تا ۸ خودنظارتی «کم»، نمره ۹ تا ۱۴ خودنظارتی «متوسط» و نمره ۱۵ تا ۲۵ خودنظارتی «بالا» می‌باشد. روایی پرسشنامه خودنظارتی Snyder به تأیید افراد صاحب‌نظر رسید. پایایی این پرسشنامه نیز در مطالعه اعتباریان و پورولی (۱۳۸۷) ۰/۸۴ به‌دست آمد (۲۳).

بعد از آموزش‌های لازم در خصوص نحوه تکمیل پرسشنامه‌ها به دانشجویان انتخاب‌شده، پرسشنامه‌های مربوط به سنجش بهره هوشی، هوش فرهنگی و خودنظارتی توسط آنان تکمیل گردید. پس از جمع‌آوری داده‌ها و ورود آن به نرم‌افزار SPSS (ویرایش ۲۱)، از آمار توصیفی (درصد، فراوانی، میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی (T مستقل، ضریب همبستگی پیرسون) در سطح معنی‌داری $P\leq ۰/۰۵$ استفاده شد.

یافته‌ها

بر اساس اطلاعات جمع‌آوری‌شده در این مطالعه، از مجموع ۱۷۱ نفر دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند ۹۱نفر (۵۳/۲٪) از دانشجویان مورد مطالعه زن و ۳۷نفر (۲۱/۶٪) دانشجوی رشته پزشکی بودند. میانگین سنّی دانشجویان ۲/۷±۲۱/۳ بود (جدول ۱).

جدول ۱- توزیع فراوانی جنس و رشته تحصیلی در دانشجویان مورد مطالعه

نام متغیر	ابعاد	فراوانی	درصد
جنس	پسر	۸۰	۴۶/۸
	دختر	۹۱	۵۳/۲
رشته تحصیلی	پزشکی	۳۷	۲۱/۶
	پرستاری	۲۶	۱۵/۲
	هوشبری	۲۱	۱۲/۳
	اتاق عمل	۱۹	۱۱/۱
	رادیولوژی	۲۴	۱۴
	بهداشت	۲۸	۱۶/۴
	مامایی	۱۶	۹/۴

میانگین نمره ضریب هوشی دانشجویان مورد مطالعه ۱۰/۴۴±۱۰۶ با حداقل ۸۴ و حداکثر ۱۳۵، میانگین نمره هوش فرهنگی ۱۷/۳۱±۸۵/۷۳ با حداقل ۴۰ و حداکثر ۱۲۸ و میانگین نمره خودنظارتی ۳/۲±۱۲/۳۵ با حداقل ۴ و حداکثر ۲۱ تعیین گردید (جدول ۲).

جدول ۲- توزیع فراوانی وضعیت ضریب هوشی، هوش فرهنگی و خودنظارتی در دانشجویان مورد مطالعه

نام متغیر	ابعاد	فراوانی	درصد
ضریب هوشی	مرزی (نمره کمتر از ۸۵)	۵	۲/۹
	نرمال (۱۱۴-۸۵)	۱۰۲	۵۹/۶
	باهوش (۱۲۹-۱۱۵)	۴۹	۲۸/۶
	بسیارباهوش (۱۴۴-۱۳۰)	۱۵	۸/۹
هوش فرهنگی	کم (کمتر از ۹۴)	۱۱۴	۶۶/۷
	متوسط (۹۵ – ۱۲۵)	۵۵	۳۲/۷
	عالی (بالاتر از ۱۲۶)	۲	۰/۰۶
خودنظارتی	کم (۱ الی ۸)	۱۸	۱۰/۵
	متوسط (۹ الی ۱۴)	۱۰۲	۵۹/۱
	بالا (۱۵ الی ۲۵)	۵۱	۳۰/۴

جدول ۳- برآورد ضریب همبستگی بین نمره بهره هوشی، هوش فرهنگی با خودنظارتی

نام متغیّر	نام متغیر		
	ضریب هوشی N=۱۷۷	خودنظارتی N=۱۷۷	هوش فرهنگی N=۱۷۷
ضریب هوشی	–	r=۰/۰۳۶ p=۰/۶۴۱	r=۰/۰۸۴ P=۰/۲۷۳
خودنظارتی	–	–	r=۰/۳۷۱ P=۰/۰۰۱

جدول ۴- مقایسه میانگین نمره ضریب هوشی، هوش فرهنگی و خودنظارتی بر حسب جنس در دانشجویان مورد مطالعه

نام متغیّر	شاخص آماری		سطح معنی‌داری
	جنس		
	مرد (N=۸۰) $\bar{x} \pm SD$	زن (N=۹۱) $\bar{x} \pm SD$	
بهره هوشی	۱۰۴/۶۳±۹/۶۲	۱۰۷/۸۶±۱۰/۹۵	۰/۰۴
هوش فرهنگی	۸۵/۱۶±۱۷/۲۲	۸۶/۲۴±۱۷/۴۶	۰/۶۸
خودنظارتی	۱۳/۰۵±۳/۲۲	۱۱/۷۳±۳/۰۷	۰/۰۰۷

در بررسی همبستگی، نتایج نشان داد که بین نمره هوش فرهنگی و خودنظارتی رابطه مثبت و معنی‌داری (P=۰/۰۰۱، r=۰/۳۷) مشاهده گردید؛ در حالی که بین نمره خودنظارتی و ضریب هوشی (P=۰/۶۴، r=۰/۰۳) و نمره هوش فرهنگی و ضریب هوشی (P<۰/۲۷، r=۰/۰۸) ارتباط معنی‌داری مشاهده نشد (جدول ۳).

میانگین نمره ضریب هوشی در زنان به‌طور معنی‌داری بالاتر از پسران بود (P=۰/۰۴)؛ در حالی که میانگین نمره خودنظارتی در پسران به‌طور معنی‌داری بالاتر از دختران بود (P=۰/۰۰۷). بین نمره هوش فرهنگی در دو جنس اختلاف معنی‌داری وجود نداشت (جدول ۴).

بحث

با توجه به اهمیت بهره هوشی، هوش فرهنگی و خودنظارتی در رفتارهای دانشجویان و تأثیراتی که بر زندگی آنان دارد، این مطالعه به بررسی رابطه میان بهره هوشی و هوش فرهنگی با خودنظارتی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند پرداخت.

میانگین نمره بهره هوشی شرکت‌کنندگان در مطالعه حاضر برابر با ۱۰/۴۴±۱۰۶ بود. در پژوهش وفائی و داداش‌زاده (۱۳۸۳) که به بررسی رابطه بهره هوشی و تیپ‌های شخصیتی در دانشجویان دانشگاه تبریز پرداختند، میانگین بهره هوشی دانشجویان ۸/۷±۱۲۰ نشان داده شد که این اختلاف میانگین می‌تواند ناشی از سطح دانشگاه باشد (۲۴). میانگین بهره هوشی در مطالعه عظیم‌پور و همکاران نیز (۱۳۹۳) ۱۵/۷۴±۹۹/۱۴ نشان داده شد (۲۵). با توجه به اینکه سطح دانشگاه سلمان فارسی کازرون از تیپ دانشگاه علوم پزشکی بیرجند پایین‌تر می‌باشد، این اختلاف منطقی به‌نظر می‌رسد (۲۵).

میانگین نمره هوش فرهنگی شرکت‌کنندگان در مطالعه حاضر برابر با ۱۷/۳۱±۸۵/۷۳ تعیین گردید. در مطالعه طولابی و کریمی (۱۳۹۱) که در آن به بررسی رابطه بین

هوش فرهنگی و خودکارآمدی اجتماعی پرداخته شد، میانگین هوش فرهنگی ۷/۸۴ ± ۸۸/۷ به‌دست آمد (۲۶) که با مطالعه حاضر اختلاف قابل ملاحظه‌ای نداشت. علت پایین‌بودن هوش فرهنگی دانشجویان مطالعه حاضر نسبت به این مطالعه، می‌تواند ناشی از تعاملات اجتماعی محدود آنان باشد.

میانگین نمره خودنظارتی شرکت‌کنندگان در مطالعه حاضر برابر با ۳/۲۰±۱۲/۳۵ بود. در مطالعه غباری و همکاران (۱۳۸۸) که به بررسی رابطه خودنظارتی عاطفی و مهارت‌های مطالعه با عملکرد تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان پرداختند، میانگین نمره خودنظارتی ۲/۴۱±۶/۷۰ نشان داده شد. از آنجایی که در دانشجویان گروه علوم پزشکی علاوه بر دروس تئوری؛ واحدهای عملی و مهارت‌های بالینی، آزمایشگاهی و میدانی نیز گذرانده می‌شود، بالابودن نمره خودنظارتی دانشجویان گروه علوم پزشکی نسبت به سایر دانشجویان منطقی به‌نظر می‌رسد (۲۷). محمد امینی (۱۳۸۸) در مطالعه خود به بررسی رابطه راهبردهای یادگیری خودنظارتی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پرداخت. یافته‌های حاصل از پژوهش وی حاکی از این بود که راهبردهای یادگیری خودنظارتی با پیشرفت تحصیلی رابطه دارد. در مطالعه وی، همه مؤلّفه‌های یادگیری خودنظارتی، توانایی پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی را داشتند (۲۸). اعتباریان و همکاران (۱۳۸۷) نیز به بررسی تأثیر آموزش راهبردهای خودنظارتی (شناختی و فراشناختی) بر باورهای انگیزشی (انگیزش تحصیلی، خودکارآمدی، اضطراب آزمون) دانش‌آموزان دبیرستان پرداختند. پژوهش آنها به‌منظور ارتقای باورهای انگیزشی دانش‌آموزان با تأکید بر نقش راهبردهای خودتنظیمی انجام شد. نتایج مطالعه آنها نشان داد که آموزش راهبردهای خودنظارتی سبب ارتقای انگیزش درونی و احساس خودکارآمدی شده و اضطراب آزمون را کاهش می‌دهد (۲۳).

در مقایسه بین میانگین نمره ضریب هوشی بر حسب جنسیت در مطالعه حاضر، نتایج نشان داد که زنان به‌طور معنی‌داری از ضریب هوش بالاتری برخوردار بودند (P=۰/۰۴). پژوهش وفائی و داداش‌زاده (۱۳۸۳) نشان داد که رابطه معنی‌داری بین بهره هوشی و تیپ‌های شخصیتی آیزنگ (درون‌گرا، برون‌گرا، ثبات هیجانی ...) در دانشجویان دختر و پسر وجود ندارد (۲۴). همان‌طور که جهان پیچیده‌تر می‌شود و زندگی در آن نیازمند تفکر انتزاعی است، مردم نیز در حال سازگاری خود با آن هستند. این بهبود در مورد زنان بیشتر از مردان دیده می‌شود؛ چرا که در گذشته محروم‌تر بوده‌اند. در مطالعه طولابی و کریمی (۱۳۹۱) نیز نتایج نشان داد که بین جنسیت و بهره هوشی ارتباط معنی‌دار وجود ندارد (۲۶). همچنین در مطالعه حمیدی و همکاران (۲۰۱۳) بین میانگین نمره هوش فرهنگی و جنسیّت ارتباط معنی‌داری وجود نداشت (P=۰/۶۸) که با نتایج حاصل از پژوهش حاضر هم‌راستا بود (۲۹). بعلاوه در مطالعه حاضر مردان به‌صورت معنی‌داری از نمره خودنظارتی بالاتری برخوردار بودند (P=۰/۰۰۷) که با نتایج مطالعه فراتحلیل Herman و همکاران (۲۰۰۵) همخوانی دارد (۳۰).

از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به عدم همکاری کلیه دانشجویان در تکمیل پرسشنامه و وضعیت روحی و مشکلات دانشجویان اشاره نمود که ممکن است بر نحوه پاسخ‌دهی آنان تأثیر گذاشته باشد و کنترل آنها خارج از توان پژوهشگر بود.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که نتایج پژوهش حاضر نشان داد، هوش فرهنگی دانشجویان با خودنظارتی رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. با توجه به اکتسابی‌بودن بخش قابل توجهی از مهارت‌ها و قابلیت‌های هوش فرهنگی، پیشنهاد می‌گردد دانشگاه در برنامه‌های آموزشی و فرهنگی جایگاه ویژه‌ای برای تقویت هوش فرهنگی در نظر بگیرد و با بهره‌گیری از آموزش‌های رسمی و غیر رسمی در بهبود خودنظارتی دانشجویان گام بردارد.

تقدیر و تشکر

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه مصوب دانشگاه علوم پزشکی بیرجند با کد اخلاق IR.bums.1394.257 می‌باشد. بدین‌وسیله از دانشکده پزشکی، معاونت محترم تحقیقات و فناوری دانشگاه و همچنین دانشجویان عزیزی که در این مطالعه همکاری داشتند، تشکر و قدردانی می‌گردد.

منابع:

1- Ghiasi Nodooshan A. Mohammadi Y, Akbari H, Raeisoon MR. Investigating the relationship between intelligence quotient and self-regulation in students at Birjand University of Medical Sciences. Educ Strategy Med Sci. 2016; 9(2): 1-2. [Persian]

2- Nazarpouri SH, Khalaji H, Mardaneh F. The relationship between intelligence quota (iq), emotional intelligence and motor fitness with volleyball pawing and serving learning. J Motor Behavior. 2013; 5(12): 141-6. [Persian]

3- Saif AA. Modern Educational Psychology: Psychology of Learning and Teaching. 6th ed. Tehran: Nashr-e-Dowran; 2009. [Persian]

4- Day DV, Schleicher DJ, Unckless AL, Hiller NJ. Self-monitoring personality at work: a meta-analytic investigation of construct validity. J Appl Psychol. 2002; 87(2): 390-401.

5 –Ang S, Van Dyne L, Koh C, Ng KY, Templer KJ, Tay C, et al. Cultural intelligence: Its measurement and effects on cultural judgment and decision making, cultural adaptation and task performance. Managt Organ Rev. 2007; 3(3): 335-71.

6- Ghaderi V, Irvani M, Farnia MA. A study of the relationship between managers' cultural intelligence and efficacy in Urmia Maskan Banks. Quarterly Journal of Productivity Management. 2013; 7(25): 33-55. [Persian]

7- Brooks RA. Intelligence without representation. Artif Intell. 1991; 47(1): 139-59.

8- Peterson B. Cultural intelligence: A guide to working with people from other cultures. Yurmouth, ME: Intercultural Press; 2004.

9- Wright NS, Drewery GP. Forming cohesion in culturally heterogeneous teams: Differences in Japanese, Pacific Islander and Anglo experience. Cross Cultural Management: An International Journal. 2016; 13(1): 43-53.

10- Cheraghmollaee L, Khosravi Z, Banijamali SS. Efficacy of training self-monitoring strategies to 6-12 year old girls with ADHD symptoms. Quarterly Clinical Psychology Studies. 2011; 6(4): 37-56. [Persian]

11- Groen Y, Mulder LJM, Wijers AA, Minderaa RB, Althaus M. Methylphenidate improves diminished error and feedback sensitivity in ADHD: An Evoked Heart Rate analysis. Biol Psychol. 2009; 82(1): 45-53.

12- Ghasemi V, Vahida F, Yazdkhasti G. An Analysis of Cultural Intelligence and its Promotion Models. Journal of Social Sciences. 2010; 4(9): 33-50. [Persian]

13- Zumbrunn S, Tadlock J, Roberts ED. Encouraging self-regulated learning in the classroom: A review of the literature. Metropolitan Educational Research Consortium (MERC). 2011: 1-28.

14- Scheithauer MC, Kelley ML. Self-Monitoring by College Students with ADHD: the Impact on Academic Performance. J Atten Disord. 2014: pii: 1087054714553050.

15- DiGangi SA, Maag JW, Rutherford RB. Self-graphing of on-task behavior: Enhancing the reactive effects of self-monitoring on On-task behavior and academic performance. Learn Disabil Q. 1991; 14(3): 221-30.

16– Samari AA, Tahmasebi F. The study of correlation between emotional intelligence and academic achievement among university students. J Fundam Ment Health. 2008; 9(35-36): 121-8. [Persian]

17- Rahmani M, Hooman H A, Ahmadi Sartakhti E. The Psychometric Properties of Cattell Fluid Intelligence Scale in

Gifted Students. Developmental Psychology (Journal of Iranian Psychologists). 2012; 9(33): 27-37. [Persian]

18- Hooman HA, Bahari P. Cattell's culture fair intelligence test II psychometric properties and It's relationship with Raven's progressive matrices. Journal of Psychological Research. 2013; 18: 99-116. [Persian]

19- Ang S, Van Dyne L, Koh C, Ng KY, Templer KJ, Tay C, et al. Cultural intelligence: Its measurement and effects on cultural judgment and decision making, cultural adaptation and task performance. Manage Organ Rev. 2007; 3(3): 335-71.

20- Mohamadameenee Z. The relation between self regulated learning strategies, motivational beliefs, and students' academic achievement. Quarterly Journal of New Thoughts on Education. 2009; 4(4): 123-36. [Persian]

21- Hassani F. Effect of Cultural Intelligence on Self-Directed Learning of Nursing Students. Bimonthly of Education Strategies In Medical Sciences. 2015; 8(2): 115-22. [Persian]

22- Kamalian AR, Baharvand F, Zare Elmy N, Guran MA. Structural equation modeling of the relationship between cultural intelligence and entrepreneurial orientation. Manag Res. 2014; 7(23): 89-106. [Persian]

23- Etebarian A, Pourvali Z. To determine the relationship between self-monitoring and conflict solving strategies; A case study of employees of Khurasgan Islamic Azad University. Quarterly Journal of New Approach in Educational Administration. 2008; 1(2): 113-33. [Persian]

24- Vafaiee B, Dadashzadeh H. Relationship Between IQ and Personality Types in Male and Female Students of Tabriz University and those of Tabriz University of Medical Sciences. J Sabzevar Univ Med Sci. 2004; 11(2): 55-60. [Persian]

25- Azimpour A, Jahangiri M, Kuravand Z, Manuchehri M. Comparing the Intelligence of Students According to Gender and Field of Study in Salman Farsi University of Kazerun. Higher Education Letter. 2014; 7(27): 141-56. [Persian]

26- Tolabi Z, Karimi Sh. Studying the Relationship Between Cultural Intelligence and Social Self-Efficacy (Case Study: Ilam University Students). Quarterly Journal of culture in Islamic University. 2012; 2(4): 445-46. [Persian]

27- Ghobari-Bonab B, Raghebian R. Effect of met cognitive strategies of sqp4r and self-monitoring on improving reading comprehension of second grade boys in middle school. Journal of Psychology & Education. 2009; 38(4): 67-85. [Persian]

28- Mohaammad Ameenee Z. The relation between self regulated learning strategies, motivational beliefs, and students' academic achievement. Quarterly Journal of New Thoughts on Education. 2009; 4(4): 123-35. [Persian]

29- Hamidi M, Andam R, Feizi S. A study of the dimensions of cultural intelligence of vilunteers in sports. Journal of Sport Management. 2013; 5(3): 5-20. [Persian]

30- Herman KS. the influence of social self efficacy, self esteem, and personality differences on lone liness and depression. [Dissertation]. [Ohiu]: The Ohio State University; 2005. 129p.